

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۰/۱۶

تاریخ تصویب مقاله: ۹۵/۶/۳۱

تبیین رفتار اخلاقی در نوجوانان بر اساس دانش فراشناخت اخلاقی با توجه به تفاوت‌های جنسیتی

دکتر ابوالقاسم یعقوبی*، مریم عبدالهی مقدم**، دکتر حسین محققى*** و
دکتر خسرو رشید****

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین رفتار اخلاقی در نوجوانان بر اساس دانش فراشناخت اخلاقی با توجه به تفاوت‌های جنسیتی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان خرم‌آباد است که از میان آنها ۲۵۰ نفر (۱۲۵ پسر و ۱۲۵ دختر) بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌های فراشناخت اخلاقی و رفتار اخلاقی را تکمیل کردند. با استفاده از تحلیل رگرسیون و آزمون T مستقل، یافته‌ها نشان داد که دانش فراشناخت اخلاقی دانش‌آموزان نمی‌تواند رفتار اخلاقی آنها را پیش‌بینی کند؛ اما در رفتار اخلاقی و سه مؤلفه فراشناخت

Yaghobi41@yahoo.com

* دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

** (نویسنده مسئول) دانشجوی دکترای روانشناسی تربیتی دانشگاه بوعلی سینا همدان. مشاور آموزش و پرورش و مدرس

دانشگاه لرستان و دانشگاه فرهنگیان

*** استادیار گروه روانشناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

**** استادیار گروه روانشناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

اخلاقی دانش‌آموزان دختر و پسر، تفاوت معناداری وجود دارد؛ بنابراین، لازم است در بررسی رفتار اخلاقی نوجوانان در جستجوی عوامل دیگری به خصوص عوامل غیرشناختی بود و در آموزش اخلاق به نوجوانان و کمک به تحول اخلاقی مثبت در آنها به تفاوت‌های جنسیتی هم توجه داشت.

واژه‌های کلیدی: رفتار اخلاقی، نوجوانان، دانش‌فراساخت اخلاقی، تفاوت‌های جنسیتی.

مقدمه

تحول اخلاقی و ارزشی در نوجوانی بیش از هر دوره دیگری است. رشد سریع شناختی در نوجوانی و همچنین تحولات عاطفی - اجتماعی نوجوان باعث می‌شود که او بهتر بتواند درباره مسائل اخلاقی و ارزشی قضاوت کند و در برخورد با این مسائل، واکنش دقیق‌تر و پیچیده‌تری نشان دهد (لطف‌آبادی، ۱۳۸۸). در این میان، مشکل اساسی در نظریه‌های سنتی رشد اخلاقی؛ از جمله: نظریه پیاژه و کلبرگ^۱ این است که رفتار اخلاقی را فقط به چگونگی تفکر و قضاوت اخلاقی فرد مربوط کرده و جوانب مهم دیگر را نادیده گرفته یا کم اهمیت شمرده‌اند. نگرش جامع در فهم رفتار اخلاقی^۲ در نوجوانان نمی‌تواند صرفاً در محدوده نظریه شناختی باقی بماند؛ بلکه باید در پی کشف نکات مبهم نظریه شناختی به‌منظور دستیابی به یک دیدگاه همه‌جانبه‌نگر برآید (سانتراک^۳، ۲۰۱۴). در پی این روشن‌سازی‌ها، مفهوم فراساخت^۴ که در ارتباط نزدیک با شناخت قرار دارد، به نظر می‌رسد که پدیده‌ای نسبتاً نو در توصیف تحول اخلاقی باشد (ابراهیمی‌قوام^۵، ۲۰۱۱). اعتقاد بر این است که فراساخت، شامل دانشی پایدار در مورد عوامل یا باورهای مربوط به نظام شناختی است و مربوط به عواملی است که کارکرد نظام شناختی را تحت تأثیر خود قرار داده و حالت شناختی جاری را تنظیم نموده و منجر به آگاهی از آن

¹ Piaget & Kohlberg

² moral behavior

³ Santrock

⁴ metacognition

⁵ Ebrahimi ghavam

می‌شود (اسپادا، نیکواوویک، مونتا و ولز^۱، ۲۰۰۸). به نظر می‌رسد که این ارتباط میان اخلاق و فراشناخت نیز وجود داشته باشد. فراشناخت اخلاقی (فرا اخلاق)^۲ نشان‌دهنده دانش یا آگاهی شخص از ماهیت، اصول و فرایندهای اخلاقی است. در موقعیت استدلال^۳ یا رفتار اخلاقی، فراشناخت اخلاقی، همه دانش و عقایدی را که در مورد اخلاقی بودن در حافظه دراز مدت ذخیره شده است، بازنمایی می‌کند (ابراهیمی قوام، ۲۰۱۱). بنا به نظر سوانسون و هیل^۴ (۱۹۹۳) و فلاول^۵ (۱۹۹۸)، فرااخلاق همانند دانش فراشناختی در سه بخش شخص^۶، تکلیف^۷ و راهبرد^۸ توصیف می‌شود. افراد پخته از نظر اخلاقی دارای فراشناخت اخلاقی هستند که شامل خود تنظیمی اخلاقی^۹ است. «خود تنظیمی اخلاقی، به معنی نظارت بر افکار و اعمال خود در ارتباط با موقعیت‌های اخلاقی است» (موشمان، ۲۰۰۵: ۱۴۵). پژوهش‌های مربوط به این حوزه - که البته اندک هستند- (برای نمونه: طالب‌زاده ثانی و کدیور، ۱۳۸۸؛ سوانسون و هیل، ۱۹۹۳)، همگی وجود رابطه معنادار و مثبت بین استفاده از توانمندی‌های شناختی - فراشناختی با رشد اخلاقی را تأیید کرده‌اند؛ اما در حوزه رفتار اخلاقی به‌طور مجزا این مسأله تا حدودی مبهم باقی مانده است.

فرضیه‌های پیرامون اخلاق و جنسیت^{۱۰}، تمایل گسترده‌ای را در دو دهه اخیر ایجاد کرده است (سانتراک، ۲۰۱۴). در الگوی استدلال اخلاقی کلبرگ و در پژوهش‌های اولیه او، زنان بیشتر در اولین مرحله سطح اخلاق قراردادی بودند و مردان بر دومین مرحله سطح اخلاق

¹ Spada, Nikcoevic, Moneta & Wells

² moral metacognition

³ reasoning

⁴ Swanson & Hill

⁵ Flavell

⁶ person

⁷ task

⁸ strategy

⁹ cognitive self monitoring

¹⁰ gender

قراردادی تأکید داشتند (طالب‌زاده ثانی و کدیور، ۱۳۸۸). گیلیگان^۱، مشهورترین شخصیتی است که معتقد است نظریه کلبِریگ، به قدر کافی اصول اخلاقی دختران و زنان را ترسیم نمی‌کند و بازتاب یک نوع سوگیری جنسیتی است. او معتقد است که اصول اخلاقی زنانه بر اخلاق اهمیت دادن به دیگران و مراقبت^۲ از دیگران تأکید دارد که در نظریه کلبِریگ، دست کم گرفته شده است (جامبون و اسمتانا^۳، ۲۰۱۵). برخی شواهد هم نشان داده‌اند که زنان بیشتر بر اهمیت دادن به دیگران تأکید می‌ورزند؛ در حالی که مردان یا بر عدالت یا بر اهمیت دادن به دیگران و عدالت به طور مساوی تأکید می‌کنند (طالب‌زاده ثانی و کدیور، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر، زنان و مردان با دو زبان مختلف درباره اخلاق گفتگو می‌کنند. این تفاوت بیشتر در مسائل زندگی روزمره (رفتار اخلاقی) و نه در مسائل فرضی نمایان می‌شوند. شاید علت این تفاوت، درگیری بیشتر زنان در فعالیت‌های روزمره‌ای باشد که اهمیت دادن و نگرانی برای دیگران را شامل می‌شود (جامبون و اسمتانا، ۲۰۱۵). پژوهش‌های حوزه تفاوت‌های جنسیتی در اخلاق (برای نمونه: طالبی، ۱۳۸۰؛ زمانی، عظیمی و سلیمانی، ۱۳۹۱؛ گویدم، وانهوف، ونکن و دیکاسترو^۴، ۲۰۱۲؛ جیامارکو^۵، ۲۰۱۶) نشانگر وجود جنسیت به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار در رشد اخلاقی – و به‌طور خاص، رفتار اخلاقی – هستند. در این پژوهش‌ها، پابندی زنان به ارزش‌های اخلاقی^۶ و کارهای اخلاقی بیشتر از مردان بوده است؛ همچنین دختران بر اساس نقش کلیشه‌های جنسی^۷ خود به فعالیت‌های مراقبت‌مدارانه و رفاه‌طلبانه و پسران بر اساس آنچه که در قالب جنسیت خویش از آغاز آموخته بودند، به فعالیت‌های عدالت‌مدارانه در حوزه‌های مختلف گرایش داشتند. بر اساس فرض تفاوت‌های جنسی در رفتار اخلاقی می‌توان وجود جنسیت را در عامل

¹ Carol Gilligan

² ethic of care

³ Jambon & Smetana

⁴ Goethem, Vanhoof, Vanaken & Decastro

⁵ Giammarco

⁶ moral values

⁷ gender stereotypic role

فراشناخت اخلاقی هم مؤثر دانست؛ البته مطالعات زیادی (از جمله: متحدی، ۱۳۸۶؛ عبایف، ۱۳۸۷؛ صفری و مرزوقی، ۱۳۹۱) در ارتباط تفاوت‌های جنسیتی با فراشناخت انجام شده؛ اما در حال حاضر مطالعه‌ای در حوزه تفاوت‌های جنسیتی در فراشناخت اخلاقی انجام نشده است. از یافته‌های مطالعات اشاره شده می‌توان نتیجه گرفت که بین تفاوت‌های جنسیتی و میزان آگاهی‌های فراشناختی و همچنین استفاده از راهبردهای فراشناختی در نوجوانان، رابطه وجود دارد؛ به این معنی که دانش‌آموزان دختر در مقایسه با پسرها از دانش فراشناختی و راهبردهای خود تنظیمی بیشتری استفاده می‌کردند و عملکرد فراشناختی بهتری داشتند. با توجه به پیشینه مطالعات اخلاقی در نوجوانان، هدف پژوهش حاضر، بررسی رفتار اخلاقی در نوجوانان براساس دانش فراشناخت اخلاقی با توجه به تفاوت‌های جنسیتی است. بر این اساس، سؤال اصلی عبارت است از:

آیا دانش فراشناخت اخلاقی، پیش‌بینی‌کننده رفتار اخلاقی در نوجوانان است و آیا رفتار اخلاقی و دانش فراشناخت اخلاقی در نوجوانان دختر و پسر متفاوت است؟

روش تحقیق

جامعه آماری این پژوهش، تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه اول (پایه نهم) مدارس شهرستان خرم‌آباد در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ هستند. از بین افراد جامعه ذکر شده برای محاسبه حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان، ۲۵۰ دانش‌آموز برای شرکت در این پژوهش انتخاب شدند که با توجه به نسبت پسران و دختران در جامعه آماری، ۱۲۵ نفر از افراد نمونه دختر و ۱۲۵ نفر از آنها پسر بودند. برای انتخاب گروه نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده گردید. به این صورت که ابتدا با مراجعه به اداره آموزش و پرورش شهر خرم‌آباد، ناحیه یک و دو به‌عنوان جامعه هدف انتخاب شدند و از بین مدارس مقطع متوسطه اول و دوم در این دو ناحیه، ۲ مدرسه دخترانه و ۲ مدرسه پسرانه به‌صورت تصادفی مشخص گردید و از بین این مدارس هم یک کلاس به‌عنوان نمونه پژوهش، پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند. پس

از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS ۲۱ شدند تا مورد تحلیل آماری قرار بگیرند.

ابزار تحقیق

۱- پرسشنامه دانش فراشناخت اخلاقی (فرا اخلاق): این پرسشنامه توسط سوانسون و هیل (۱۹۹۳) تهیه و اجرا شده است. پرسشنامه مورد نظر دارای ۱۵ سؤال و از سه طبقه شخص، تکلیف و راهبرد تشکیل شده است. روش نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت زیر است:

نمره یک: یک پاسخ بی‌ربط و بی‌معنی.

نمره دو: فقط اشاره به تفاوت‌های فردی، تصمیم‌گیری بدون دلیل، فقط یک مبادله دو طرفه، مباحث اخلاقی فاقد اهمیت، توضیحات سطحی.

نمره سه: توصیف یا راه حل ساده، نشان‌دادن فهم موضوع با توجه به وظیفه‌ای که فرد نسبت به خود یا دیگران دارد.

نمره چهار: اشاره به درست و غلط، توجه به دیگران، شناخت و اهمیت مسأله یا موقعیت.

نمره پنج: اشاره کردن به آگاهی درباره موضوعات اخلاقی، اصول و قوانین اخلاقی و اشاره به اینکه هر فرد مسئول اعمال خود است.

حداکثر نمره‌ای که هر آزمودنی در این پرسشنامه می‌تواند کسب کند ۸۰ و پایین‌ترین نمره آزمودنی‌هایی که به تمام سؤال‌ها جواب داده باشند، ۱۶ است.

طالب‌زاده ثانی و کدیور در سال ۱۳۸۸ پس از اجرای این پرسشنامه بر روی دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی شهر تهران، روایی محتوایی و روایی سازه آزمون (با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی با نرم‌افزار لیزرل) را محاسبه کردند که در پژوهش آنها این ابزار از روایی خوب و قابل قبولی برخوردار بود. به عبارت دیگر، نتایج تحلیل عاملی نشان داد که همه شاخص‌های نیکویی برازش، سه مؤلفه پرسشنامه را (دانش اخلاقی در زمینه شخص، تکلیف و راهبرد) تأیید کرده‌اند.

سوانسون و هیل (۱۹۹۳) پایایی این آزمون را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۱ به دست آوردند. همچنین طالب‌زاده ثانی و کدیور (۱۳۸۸)، ضریب پایایی این آزمون را به روش آلفای کرونباخ محاسبه کردند و ۰/۸۰ به دست آوردند. در پژوهش حاضر هم، ضریب پایایی این آزمون با روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۷ محاسبه گردید.

۲- پرسشنامه رفتار اخلاقی: این پرسشنامه که توسط سوانسون و هیل (۱۹۹۳) تهیه و اجرا شده است، دارای ۱۵ سؤال ۵ گزینه‌ای است و رفتارهای اخلاقی دانش‌آموزان را توسط همکلاسی‌های‌شان ارزیابی می‌کند. آزمودنی برای پاسخ به هر سؤال از گزینه‌های هرگز، به ندرت، گاهی اوقات، معمولاً و همیشه استفاده می‌کند. شیوه نمره‌گذاری به این صورت بود که برای گزینه هرگز نمره ۱، به ندرت نمره ۲، بعضی اوقات نمره ۳، معمولاً نمره ۴ و همیشه نمره ۵ در نظر گرفته شد. حداقل نمره‌ای که هر فرد در این آزمون به دست آورد، ۱۵ و حداکثر نمره، ۷۵ است. طالب‌زاده ثانی و کدیور در سال ۱۳۸۸ پس از اجرای این پرسشنامه بر روی دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی شهر تهران، روایی محتوایی و روایی سازه آزمون را محاسبه کردند که در پژوهش آنها این ابزار از روایی خوب و قابل قبولی برخوردار بود. در پژوهش سوانسون و هیل (۱۹۹۳)، ضریب پایایی این آزمون را با استفاده از ضریب آلفا، ۰/۹۶ محاسبه کرده‌اند. همچنین طالب‌زاده ثانی و کدیور (۱۳۸۸)، ضریب پایایی این آزمون را با استفاده از روش آلفا پس از اجرا بر روی دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی شهر تهران محاسبه کردند و ۰/۷۸ به دست آوردند. در پژوهش حاضر هم ضریب پایایی این آزمون با روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۰ محاسبه گردید.

یافته‌ها

در محاسبات آماری برای تعیین ویژگی‌های کلی داده‌ها از شاخص مرکزی مانند میانگین و شاخص پراکندگی مانند انحراف معیار استفاده می‌شود. بر این اساس، میانگین رفتار اخلاقی و مؤلفه‌های فراشناخت اخلاقی؛ یعنی مؤلفه شخص، تکلیف و راهبرد در گروه پسران به ترتیب

برابر است با ۵۹,۶۸، ۱۷,۰۰، ۵,۵۵ و ۷,۶۸ و انحراف معیار هر یک از آنها برابر است با ۶,۲، ۲,۴۸، ۰,۸۸ و ۱,۶ و در گروه دختران، میانگین رفتار اخلاقی و مؤلفه‌های فراشناخت اخلاقی؛ یعنی مؤلفه شخص، تکلیف و راهبرد به ترتیب برابر با ۶۱,۹۰، ۱۸,۷۸، ۶,۰۷ و ۸,۴۸ و انحراف معیار هر یک از آنها برابر است با ۶,۸، ۲,۲۸، ۱,۱۷ و ۱,۳۶.

در این بخش، با استفاده از تحلیل رگرسیون ساده و آزمون T مستقل به بررسی سؤال پژوهش پرداخته شده است. در اینجا پیش‌فرض‌های رگرسیون ساده مطرح می‌شود:

۱- متغیر ملاک باید در مقیاس پیوسته اندازه‌گیری شود. متغیر (های) پیش‌بین باید در مقیاس پیوسته اندازه‌گیری شوند.

۲- نرمال بودن شکل توزیع نمرات متغیر ملاک (بررسی توزیع تک متغیره و چند متغیره).

۳- بررسی باقیمانده‌ها از نظر همپراشی، نرمال بودن و همبسته نبودن با یکدیگر و همبسته نبودن با متغیرهای پیش‌بین.

۵- بررسی وجود هم خطی از طریق ضریب تحمل واریانس

جدول ۱. تحلیل رگرسیون ساده به منظور پیش‌بینی رفتار اخلاقی بر اساس فراشناخت اخلاقی

شاخص شاخص	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig	R ²	R ² adjusted
رگرسیون	۶۹/۵۲۸	۱	۶۹/۵۲۸				
باقیمانده	۵۹۰۵/۵۵۷	۱۳۷	۴۳/۱۰۶		۱/۶۱	۰/۲۱	۰/۰۱
کل	۵۹۷۵/۰۸۵	۱۳۸					۰/۰۰۴

بر اساس جدول ۱، بررسی معناداری این پیش‌بینی نشان می‌دهد که مدل پیش‌بینی رفتار اخلاقی نوجوانان فراشناخت اخلاقی، معنادار نیست. در این تحلیل، میزان R² برابر با ۰,۰۱ است که نشان می‌دهد رفتار اخلاقی نوجوانان از طریق میزان فراشناخت اخلاقی قابل پیش‌بینی نیست؛ بنابراین، بخش اول سؤال، رد می‌شود.

تیین رفتار اخلاقی در نوجوانان براساس دانش فراشناخت اخلاقی با ... ۱۶۷

جدول ۲. آزمون T مستقل برای بررسی تفاوت میزان رفتار اخلاقی در دختران و پسران

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	اختلاف میانگین	درجه آزادی	t	Sig	آزمون لون	F	Sig
پسران	۷۶	۵۹,۶۸	۶,۲	۲,۲۲ -	۱۳۸	۲,۰۱ -	۰,۰۴۶			
دختران	۶۴	۶۱,۹۰	۶,۸					۰,۴۱		۰,۵۲

بر اساس جدول ۲، با مقایسه مقدار معناداری (۰/۰۴۶)، با مقدار خطای قابل پذیرش در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0/05$) مشخص شد که مقدار معناداری از مقدار خطا کمتر است ($p<0/05$)؛ در نتیجه، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت میزان رفتار اخلاقی در دختران به‌طور معناداری بیشتر از پسران است ($\text{sig}=0/046$ و $\text{df} = 138$ و $t = -2/01$)؛ بنابراین، بخش دوم سؤال تأیید می‌شود.

جدول ۳. آزمون T مستقل برای بررسی تفاوت دختران و پسران در مؤلفه‌های فراشناخت اخلاقی

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	اختلاف میانگین	درجه آزادی	t	Sig	آزمون لون	F	Sig
مؤلفه شخص	پسران	۷۶	۱۷,۰۰	۲,۴۸	۱,۷۸ -	۱۳۸	۴,۳۸ -	۰,۰۰۱	۳,۱۷		۰,۰۸
	دختران	۶۴	۱۸,۷۸	۲,۲۸							
مؤلفه راهبرد	پسران	۷۶	۷,۶۸	۱,۶	۱,۷۸ -	۱۳۸	۳,۱۱ -	۰,۰۰۲	۰,۲۳		۰,۶۳
	دختران	۶۴	۸,۴۸	۱,۳۶							
مؤلفه تکلیف	پسران	۷۶	۵,۵۵	۰,۸۷	۰,۵۲ -	۱۳۸	۲,۹۷ -	۰,۰۰۳	۳,۳		۰,۰۷
	دختران	۶۴	۶,۰۷	۰,۶۸							

بر اساس جدول ۳ در مؤلفه شخص با مقایسه مقدار معناداری (۰/۰۰۱)، با مقدار خطای قابل پذیرش در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha=0/01$) مشخص شد که مقدار معناداری از مقدار خطا کمتر است ($p<0/01$)؛ بنابراین، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت میزان برخورداری

دختران از مؤلفه شخص فراشناخت اخلاقی به طور معناداری بیشتر از پسران است ($\text{sig}=0/001$) و $\text{df} = 138$ و $t = -4/38$). در مؤلفه راهبرد با مقایسه مقدار معناداری ($0/002$)، با مقدار خطای قابل پذیرش در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha=0/01$)، مشخص شد که مقدار معناداری از مقدار خطا کمتر است ($p<0/01$)؛ پس، با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت میزان برخورداری دختران از مؤلفه راهبرد فراشناخت اخلاقی به طور معناداری بیشتر از پسران است ($\text{sig}=0/001$) و $\text{df} = 138$ و $t = -4/38$). در مؤلفه تکلیف با مقایسه مقدار معناداری ($0/003$)، با مقدار خطای قابل پذیرش در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha=0/01$)، مشخص شد که مقدار معناداری از مقدار خطا کمتر است ($p<0/01$)؛ بر همین اساس، با ۹۹ درصد اطمینان می توان ثابت کرد که در گروه دختران، میزان برخورداری از مؤلفه تکلیف فراشناخت اخلاقی به طور معناداری بیشتر از پسران است ($\text{sig}=0/003$ و $\text{df} = 138$ و $t = -2/97$)؛ بنابراین، بخش دوم سؤال تأیید می شود.

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر که با هدف بررسی رفتار اخلاقی در نوجوانان براساس دانش فراشناخت اخلاقی با توجه به تفاوت های جنسیتی انجام شد، پژوهشگر در پی پاسخ به این سؤال بود: حال که ارتباط فراشناخت و رشد اخلاقی در مطالعات ثانی و کدیور (۱۳۸۸) و سوانسون و هیل (۱۹۹۳) تأیید شده است، آیا می توان ارتباط فراشناخت را هم با یکی از عامل های رشد اخلاقی یعنی رفتار اخلاقی تأیید کرد و نقش تفاوت های جنسیتی را در آن مؤلفه ها یافت. بر این اساس، در فرضیه اول که نقش پیش بینی کنندگی رفتار اخلاقی از طریق دانش فراشناخت اخلاقی مطرح شد، یافته ها ارتباط معناداری بین این دو نشان ندادند و فرضیه اول رد شد؛ به عبارت دیگر، رفتار اخلاقی در نوجوانان دختر و پسر، ارتباطی با سطح دانش فراشناخت اخلاقی آنها ندارد. شاید بتوان یکی از دلایل عدم معناداری این فرضیه را به عوامل فرهنگی در بحث از رفتار اخلاقی نسبت داد و بیان کرد که در بافتی که پژوهشگر به اجرا پرداخته است، احتمالاً عواملی

غیر از فراشناخت در رفتار اخلاقی دانش‌آموزان اثرگذار بوده است؛ برای نمونه: عوامل اجتماعی یعنی محبوبیت و تأثیرگذاری نوجوان که این عامل در مطالعات حوزه نوجوانی هم تأیید شده است. در بیان دلیل دیگر عدم معناداری فرضیه، می‌توان به تفاوت دیدگاه دانش‌آموز نسبت به خود با دیدگاه دیگران نسبت به او اشاره کرد؛ به این معنی که او خود را فردی اخلاقی تصور می‌کرده و نظراتش نسبت به شخص با اخلاق در حل معماهای اخلاقی (پرسشنامه فراشناخت اخلاقی)، مثبت و ایده‌آل بوده است؛ اما نظر دیگران در مورد رفتارهای در برگیرنده عدالت، نوع دوستی، صداقت و ... در وی مثبت و ایده‌آل نبوده است و این شاید نوعی سوگیری نسبت به رفتار همکلاسی در پرسشنامه رفتار اخلاقی باشد که به صورت تفاوت نمرات دو پرسشنامه نمایان شده است.

در ارتباط با فرضیه دوم و سوم؛ یعنی بحث از تفاوت‌های جنسیتی در رفتار اخلاقی و فراشناخت اخلاقی که در پژوهش‌های گویدم و همکاران (۲۰۱۲)، متحدی (۱۳۸۶)، زمانی و همکاران (۱۳۹۱) و ... تأیید شده است، در این پژوهش هم تأیید شد. نکته جالب توجه در بحث جنسیت در اخلاق، عدم تطابق با بحث جنسیت در نظریه استدلال اخلاقی کلبرگ است؛ به این معنی که می‌توان گفت اگر چه در مصاحبه‌های اخلاقی کلبرگ، مردان از زنان، نمرات بالاتری می‌گرفتند و در سطح بالاتر استدلال اخلاقی قرار داشتند؛ اما هنگامی که به سنجش رفتار اخلاقی آنها پرداخته می‌شود، زنان نسبت به مردان، اعمال و فعالیت‌های اخلاقی تری دارند و حتی فراتر از این، در سه مؤلفه فراشناخت اخلاقی هم نمرات بالاتری دریافت می‌کنند. پس نمی‌توان گفت که مردان از رشد اخلاقی بالاتری در مقایسه با زنان برخوردار هستند، همان گونه که در مورد زنان هم این نتیجه‌گیری، نادرست می‌نماید؛ چرا که هر دوی این پژوهش‌ها مؤلفه‌های رشد اخلاقی را بررسی کرده‌اند، نه عامل رشد اخلاقی را. البته در بررسی علل این تفاوت‌ها می‌توان به الگوهای نقش جنسی که از همان کودکی در محیط درون و یا بیرون از خانواده به دختر یا پسر به اشکال مختلف آموخته می‌شود، توجه داشت که باعث برخورداری دختران از دانش فراشناخت قوی‌تر و عمل اخلاقی بیشتر در جهت این نقش‌پذیری‌ها می‌شود.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به وجود پرسشنامه دانش فراشناخت اخلاقی که پرسشنامه‌ای باز پاسخ است، اشاره کرد؛ همچنین نمونه دانش‌آموزان این پژوهش، اجرای پژوهش روی نمونه‌های دیگر را با مشکل روبه‌رو می‌ساخت.

در پایان، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌هایی با این عنوان در فرهنگ‌های مختلف و حتی در اقلیت‌های موجود در کشورمان انجام شود و به بحث تحول اخلاقی در نمونه‌های غیر دانش‌آموز و فراتر از نوجوان پرداخته شود. همچنین امکان ساخت ابزارهای بومی‌تر برای سنجش رفتار اخلاقی و فراشناخت اخلاقی برای گروه‌های مختلف فراهم شود.

منابع

- ۱- زمانی، بی بی عشرت؛ عظیمی، امین؛ سلیمانی، نسیم (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر سرقت علمی بر حسب جنسیت و رشته تحصیلی از دیدگاه دانشجویان. فصلنامه اخلاق در علوم رفتاری، سال ۷، شماره ۳. صص ۱۲-۶.
- ۲- صفری، یحیی؛ مرزوقی، رحمت‌اله (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای ابعاد آگاهی‌های فراشناختی دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۱۶-۵.
- ۳- طالب‌زاده ثانی، هادی؛ کدیور، پروین (۱۳۸۸). بررسی رابطه دانش فراشناخت اخلاقی با استدلال و رفتار اخلاقی. فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۹۳. صص ۳۱-۱۴.
- ۴- طالبی، ابوتراب (۱۳۸۰). بررسی تعارض بین ارزش‌های اخلاقی و مذهبی و کنش‌های اجتماعی. پایان‌نامه دکترا، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵- عباغاف، زهره (۱۳۸۷). مقایسه راهبردهای شناختی و فراشناختی دانش‌آموزان دوره متوسطه به تفکیک سطح توانایی، رشته تحصیلی و جنسیت و ارائه پیشنهادهایی در حوزه برنامه درسی. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۵۰-۱۱۹.
- ۶- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۸). روانشناسی رشد اخلاقی، دینی و ارزشی در نوجوانی و جوانی. مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۲۹. صص ۱۶-۳.
- ۷- متحدی، علیرضا (۱۳۸۶). بررسی مقایسه‌ای فراشناخت و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر شهری و روستایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

8-Ebrahimi Ghavam, S. (2011). *Metacognition education and moral reasoning: a case report of high school girls in Iran. Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 29: 1816 – 1823.

9-Flavell, J.H. (1998). "Social Cognition" in Dammon, William. "Hand Book of Child Psychology". vol,2: cognition, perception, and language, wilye and sons, Inc.

10-Goethem, A.V., Vanhoof, A., Vanaken, M., & Decastro, B.(2012). *The role of adolescents morality and identity in volunteering. Age and gender differences in a process model. Journal of Adolescence, 35 : 509 – 520 .*

11-Giammarco, E.A.(2016). *The measurement of individual differences in morality. Personality and Individual Differences, 88: 26 – 34 .*

12-Jambon, M., & Smetana, J.G.(2015). *Moral development, theories of International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition), 788 – 795 .*

13-Santrock,J.W.(2014).*Adolescence, Fifteenth Edition. Published by McGraw-Hill Education, 2 Penn Plaza, New York, NY 10121. Printed in the United States of America.*

14-Swanson, L.H., & Hill, G. (1993). *Metacognitive aspects of moral reasoning and behavior. Adolescence, 28: 711-725.*

15-Spada,M.M.,Nikcoevic.A.V.,Moneta, G. B., Wells, A. (2008). *Metacognition, perceived stress, and negative emotion .Personality and Individual Differences,44 : 1172–1181.*

16-Moshman,D.(2005).*Adolescent psychological development. Rationality, Morality and Identity. (Second Edition). Mahwah, New Jersey. London.*